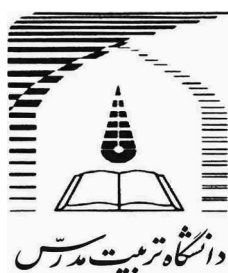


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده علوم انسانی

رساله دکتری رشته علوم تربیتی گرایش فلسفه تعلیم و تربیت

تبیین رویکرد عملی به فلسفه تربیت اسلامی

با تأکید بر دیدگاه ویلفرد کار

فرشته آل حسینی خامنه

استاد راهنمای اول

دکتر سید مهدی سجادی

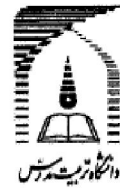
استاد راهنمای دوم

دکتر علیرضا صادقزاده قمصری

استاد مشاور

دکتر محمود مهرمحمدی

خرداد 1392



مجلس خبرگان

باسمه تعالی

تاییدیه اعضای هیات داوران حاضر در جلسه دفاع از رساله دکتری

بدینوسیله گواهی می شود خانم فرشته آل حسینی خامنه در تاریخ ۱۳۹۲/۰۳/۲۰ از رساله دکتری واحدی خود با عنوان: **تبیین رویکرد عملی به فلسفه تربیت اسلامی با تاکید بر دیدگاه ویلفرد کار** دفاع کرده است. اعضای هیات داوران نسخه نهایی این رساله را از نظر فرم و محتوا بررسی کرده و پذیرش آنرا برای دریافت درجه دکتری تخصصی (Ph.D) تایید می نمایند.

امضاء	رتبه علمی	نام و نام خانوادگی	اعضای هیات داوران
	دانشیار	آقای دکتر سیدمهدی سجادی	۱- استاد راهنما (اصلی)
	۲- استاد راهنما (دوم)
	استادیار	آقای دکتر علیرضا صادق زاده قمصری	۳- استاد مشاور (اول) راهنما (دوم)
	استاد	آقای دکتر محمود مهر محمدی	۴- استاد مشاور (دوم) (اول)
	استادیار	آقای دکتر محسن ایمانی نائینی	۵- استاد ناظر (داخلی)
	دانشیار	آقای دکتر هاشم فر دانش	۶- استاد ناظر (داخلی)
	دانشیار	آقای دکتریحیی قائندی	۷- استاد ناظر (خارجی)
	استادیار	آقای دکتر محمد حسینی	۸- استاد ناظر (خارجی)
	استادیار	آقای دکتر محسن ایمانی نائینی	۹- نماینده شورای تحصیلات تکمیلی

آیین‌نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهشهای علمی دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه: با عنایت به سیاستهای پژوهشی و فناوری دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسانها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران، لازم است اعضای هیأت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهشهای علمی که تحت عناوین پایان‌نامه، رساله و طرحهای تحقیقاتی با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد زیر را رعایت نمایند:

ماده 1- حق نشر و تکثیر پایان‌نامه/رساله و درآمدهای حاصل از آنها متعلق به دانشگاه می‌باشد، ولی حقوق معنوی پدیدآورندگان محفوظ خواهد بود.

ماده 2- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان‌نامه/رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی باید به نام دانشگاه بوده و با تأیید استاد راهنمای اصلی، یکی از اساتید راهنما، مشاور و یا دانشجو مسئول مکاتبات مقاله باشد. ولی مسئولیت علمی مقاله مستخرج از پایان‌نامه و رساله به عهده اساتید راهنما و دانشجو می‌باشد.

تبصره: در مقالاتی که پس از دانش‌آموختگی به صورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان‌نامه/رساله نیز منتشر می‌شود، باید نام دانشگاه درج شود.

ماده 3- انتشار کتاب، نرم افزار و یا آثار ویژه (اثر هنری مانند فیلم، عکس، نقاشی و نمایشنامه) حاصل از نتایج پایان‌نامه/رساله و تمامی طرحهای تحقیقاتی کلیه واحدهای دانشگاه اعم از دانشکدهها، مراکز تحقیقاتی، پژوهشکدهها، پارک علم و فناوری و دیگر واحدها باید با مجوز کتبی صادره از معاونت پژوهشی دانشگاه و براساس آیین‌نامههای مصوب انجام شود.

ماده 4- ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه یافته‌ها در جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان‌نامه/رساله و تمامی طرحهای تحقیقاتی دانشگاه است، باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق معاونت پژوهشی دانشگاه انجام شود.

ماده 5- این آیین‌نامه در 5 ماده و یک تبصره در تاریخ 87/4/1 در شورای پژوهشی و در تاریخ 87/4/23 در هیأت رئیسه دانشگاه به تأیید رسید و در جلسه مورخ 87/7/15 شورای دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب در شورای دانشگاه لازم‌الاجرا است.

«اینجانب **فرشته آل حسینی** دانشجوی رشته **فلسفه تعلیم و تربیت** ورودی سال تحصیلی 1387 مقطع **دکتری** دانشکده علوم انسانی متعهد می‌شوم کلیه نکات مندرج در آیین‌نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهشهای علمی دانشگاه تربیت مدرس را در انتشار یافته‌های علمی مستخرج از رساله تحصیلی خود رعایت نمایم. در صورت تخلف از مفاد آیین‌نامه فوق‌الاشعار به دانشگاه وکالت و نمایندگی می‌دهم که از طرف اینجانب نسبت به لغو امتیاز اختراع به نام بنده و یا هرگونه امتیاز دیگر و تغییر آن به نام دانشگاه اقدام نماید. ضمناً نسبت به جبران فوری ضرر و زیان حاصله براساس برآورد دانشگاه اقدام خواهم نمود و بدین وسیله حق هرگونه اعتراض را از خود سلب نمودم.»



امضا:

تاریخ: ۹۲/۴/۱۸

آیین نامه چاپ پایان نامه/رساله‌های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان نامه/رساله‌های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیتهای علمی-پژوهشی دانشگاه است. بنابر این، به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش‌آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می‌شوند:

ماده 1: در صورت اقدام به چاپ پایان نامه/رساله خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اطلاع دهد.

ماده 2: در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه) عبارت ذیل را چاپ کند:
«کتاب حاضر، حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد/ رساله دکتری نگارنده در رشته _____ است که در _____ سال در دانشکده _____ دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی _____ سرکار خانم/جناب آقای دکتر _____ و مشاوره سرکار خانم/جناب آقای دکتر _____ از آن دفاع شده است.»

ماده 3: به منظور جبران بخشی از هزینه‌های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اهدا کند. دانشگاه می‌تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

ماده 4: در صورت عدم رعایت ماده 3، 50% بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تأدیه کند.

ماده 5: دانشجو تعهد و قبول می‌کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می‌تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می‌دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده 4 را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تأمین نماید.

ماده 6: اینجانب **فرشته آل حسینی** دانشجوی رشته **فلسفه تعلیم و تربیت** مقطع **دکتری** تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می‌شوم.

نام و نام خانوادگی: **فرشته آل حسینی**



تاریخ و امضا: ۹۲/۴/۱۸

تقدیم

تقدیم به پدر و مادرم،

برای مهربانی‌ها و آرزوهای بی‌دریغشان

و

تقدیم به معلمانم،

چشمه‌های جوشانی که، سستی بخشدند و جوشش و بخشندگی آموختند

تقدیر

در آغاز، به نگاه فضل و رحمت پروردگارم شکر می گزارم؛ او که از الطاف و عطایای دستان بخشنده اش، همواره برخوردار بوده ام.

مایلم از استادان کرامتدارم، جناب آقای دکتر سجادی، جناب آقای دکتر صادق زاده و جناب آقای دکتر مهرمحمدی صمیمانه شکر کنم.
می خواهم بدانید، چقدر در طول پرورش از دانش، اخلاق و تجربیات ارزنده تان برخوردار بوده ام.

از استادان محترم گروه تعلیم و تربیت دانشگاه تربیت مدرس برای تمام لحظات ارزشمندی که برای تحصیل و یادگیری در محضرشان سپری کردم، صمیمانه شکر می کنم.

در خاتمه، با تمام قلبم از تک تک اعضای خانواده ام برای صبوری و همراهی شان در این سالهای طولانی تحصیل شکر می کنم. می خواهم بدانید، چطور در هر گامی که در مسیر پر فراز و نشیب زندگیم برمی دارم، خود را برخوردار از ایثار، دلگرمی و حمایتان می یابم.

چکیده

هدف این پژوهش، تبیین رویکرد عملی به فلسفه تربیت اسلامی در پرتو دیدگاههای عملی با تأکید بر دیدگاه ویلفرد کار است. مواجهه فلسفه تربیت اسلامی با دیدگاههای عملی به دلیل تأثیرات نامطلوب شکاف میان نظریه و عمل تربیتی، و به منظور آشکار کردن محدودیتهای فلسفه تربیت جمهوری اسلامی ایران در غلبه بر مسئله ربط ضرورت یافته است. از یک سو، فلسفه تربیت اسلامی به دلیل حاکمیت معیارهای فلسفه مدرن، همچون «مدون بودن»، «کلی بودن»، «فارغ از مکان بودن» و «فارغ از زمان بودن» بر اعمال ما، ممکن است به آسانی در معرض بی‌توانی و بی‌ربطی با عمل تربیتی قرار بگیرد. از سوی دیگر، به دلیل غلبه مفاهیم مسئله‌دار مدرن از عامل، نظریه و عمل، همچون «عامل به عنوان مجری»، «نظریه به عنوان نظریه نظریه‌پرداز» و «عمل به عنوان کاربرد نظریه» بر فهم ما، ممکن است با مانع جدی برای تحقق عامل تربیت اسلامی مواجه باشد. این پژوهش، با تحلیل و نقد بی‌ربطی شکل کنونی فلسفه تربیت اسلامی با اعمال تربیتی، از فقدان مبنای مناسب برای رسیدن به مطلوبش آگاهی می‌دهد و برای رسیدن به این مطلوب، لزوم مبنایی جدید و رویکردی دیگر را توصیه می‌کند. در کل، در دفاع از رویکرد عملی برای تحقق تربیت اسلامی به استدلال می‌پردازد. در حال حاضر، مأموریت فلسفه تربیت اسلامی به عنوان یک رشته دانشگاهی به تولید فلسفه‌های مدون کلی فارغ از زمان و مکان در انتظار کاربردی شدن و بازتولید فیلسوف تربیت فروکاسته شده است. با رویکرد عملی به فلسفه تربیت اسلامی، مأموریت‌های جدید و ایجاد روابط اجتماعی تحول‌یافته با عاملان می‌تواند به دستور کار فلسفه تربیت اسلامی افزوده شود. مهمترین مأموریت فلسفه تربیت اسلامی با رویکرد عملی، کمک به احیای عمل تربیت اسلامی و تحقق عامل تربیت اسلامی است.

واژگان کلیدی: فلسفه تربیت اسلامی؛ شکاف میان نظریه و عمل تربیتی؛ رویکرد عملی؛ عمل تربیت

اسلامی؛ عامل تربیت اسلامی، ویلفرد کار.

فهرست مطالب

فصل 1 مقدمه

- 1-1 بیان مسئله 3
- 2-1 اهداف پژوهش 7
- 3-1 سؤالات پژوهش 7
- 4-1 ضرورت پژوهش 8
- 5-1 روش پژوهش 10
- 1-5-1 روش در فصل سوم 10
- 2-5-1 روش در فصل چهارم 14

فصل 2 دیدگاه‌های عملی با تأکید بر دیدگاه ویلفرد کار

- 0-2 مقدمه 18
- 1-2 دو دیدگاه عملی در حوزه فلسفه و فلسفه اخلاق 18
- 1-1-2 گادامر، هرمنوتیک فلسفی و فلسفه عملی 19
- 1-1-1-2 به سوی فلسفه عملی 22
- 2-1-2 مک‌این‌تایر، اخلاق فضیلت و فلسفه عملی 27
- 1-2-1-2 به سوی فلسفه عملی 33
- 2-2 دو دیدگاه عملی در حوزه فلسفه تربیت 39
- 1-2-2 کمیس، فلسفه انتقادی تربیت و فلسفه عملی 39
- 1-1-2-2 به سوی فلسفه عملی 45
- 2-2-2 کار، فلسفه تأملی تربیت و فلسفه عملی 47

50 1-2-2-2 به سوی فلسفه عملی
53 2-2-2-2 رابطه نظریه و عمل تربیتی
57 1-2-2-2-2 نظریه تربیتی
58 1-1-2-2-2-2 دو دلالت مفهومی نظریه
59 2-1-2-2-2-2 دو دلالت مفهومی شکاف
61 2-2-2-2-2 عمل تربیتی
62 1-2-2-2-2-2 سه دیدگاه بدیل در باب عمل
66 2-2-2-2-2-2 تبیین ارسطو از عمل
68 3-2-2-2-2-2 هدف و گرایش فلسفه عملی
69 4-2-2-2-2-2 سبک استدلال عملی
72 5-2-2-2-2-2 تبیین کار از عمل تربیتی
73 3-2-2-2 فلسفه تربیت به عنوان فلسفه عملی
78 3-2 دو دیدگاه عملی در حوزه مطالعات برنامه درسی
78 1-3-2 شواب، برنامه درسی و عملی
86 2-3-2 کانلی، پژوهش عملی و عملی

فصل 3 محدودیتهای رویکرد نظری به فلسفه تربیت اسلامی در پرتو نظریه کار

92 0-3 مقدمه
93 1-3 محدودیتهای ناظر بر عمل فلسفه تربیت اسلامی
93 1-1-3 دعاوی کار درباره شکل نظری فلسفه تربیت
98 2-1-3 خروج «شفاهی»، «جزئی»، «مکانی» و «زمانی» از فلسفه
103 3-1-3 معیارهای حاکم بر اشکال نظری فلسفه تربیت

- 106 4-1-3 دیدگاه‌های فیلسوفان تربیت اسلامی
- 109 5-1-3 تبیین محدودیتهای ناظر بر عمل فلسفه تربیت اسلامی
- 115 2-3 محدودیتهای ناظر بر فهم فلسفه تربیت اسلامی
- 119 1-2-3 تبیین محدودیتهای ناظر بر فهم
- 121 1-1-2-3 عامل به عنوان مجری یا مفسر؟
- 123 2-1-2-3 نظریه به عنوان نظریه نظریه پرداز یا عامل؟
- 127 3-1-2-3 عمل به عنوان کاربرد نظریه یا پرکسیس؟
- 130 3-3 محدودیتهای ناظر بر سند فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران
- 130 1-3-3 فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران و مسئله ربط
- 132 2-3-3 تحلیل فلسفه وجودی فلسفه تربیت جمهوری اسلامی ایران
- 136 3-3-3 فلسفه تربیت جمهوری اسلامی ایران در معرض بی‌ربطی

فصل 4 تبیین رویکرد عملی به فلسفه تربیت اسلامی

- 141 0-4 مقدمه
- 141 1-4 محدودیتهای رویکرد عملی
- 142 1-1-4 نابسندگی بدیل فلسفه تربیت به عنوان فلسفه عملی
- 148 2-1-4 نابسندگی بدیل نظریه تربیتی به عنوان رشته عملی
- 151 2-4 امکانات رویکرد عملی
- 152 3-4 تبیین رویکرد عملی به فلسفه تربیت اسلامی با نظر به محدودیتهای و امکانات
- 154 1-3-4 مواجهه با مسئله ربط
- 161 2-3-4 احیای عمل تربیت اسلامی
- 169 3-3-4 تحقق عامل تربیت اسلامی

172 1-3-3-4 یک تبیین از عمل تربیت اسلامی

180 2-3-3-4 یک تبیین از عامل تربیت اسلامی

فصل 5 نتیجه‌گیری

189 1-5 پاسخ سؤالات پژوهش

190 1-1-5 پاسخ سؤال اول

193 2-1-5 پاسخ سؤال دوم

195 3-1-5 پاسخ سؤال سوم

198 2-5 پیشنهاد پژوهش

200 منابع

فصل ۱

مقدمه

ساختار فصل 1



1-1 بیان مسئله

فلسفه تربیت اسلامی در ایران با یک مسئله مهم مواجه است، و آن چیزی نیست، جز امکان و تحقق ایده تربیت اسلامی. فیلسوفان تربیت اسلامی در یکی دو دهه اخیر از جهات مختلف با این مسئله مواجه شده‌اند که به شماری از آنها اشاره می‌کنم:

- تحقیقات نظری در باب امکان و ضرورت هویت تربیت اسلامی (باقری، 1382؛ صادق‌زاده، 1382)؛
- تحقیقات نظری برای دستیابی به کاربردهای نظریه‌های فلسفه اسلامی در زمینه تربیت اسلامی (علم‌الهدی، 1388؛ بهشتی، 1389؛ صادق‌زاده و همکاران، 1390)؛
- تحقیقات نظری برای دستیابی به کاربردهای نظریه‌های غربی، از طریق نقد و سازواری و تلفیق با نظریه‌های اسلامی در زمینه تربیت اسلامی (باقری، 1389)؛
- تحقیقات نظری با رویکرد تطبیقی با مکاتب فلسفی معاصر (شرفی، 1389)؛
- مفهوم‌پردازیهای جدید با تکیه بر متون و منابع اسلامی و دستیابی به مفاهیم، طرحواره‌ها، ایده‌های تربیت اسلامی برای کاربرد در عمل (منظری توکلی، 1383؛ باقری، 1384، 1387، 1389؛ صادق‌زاده و همکاران، 1390).

در هریک از این مواجهات آنچه برجسته می‌نماید، وجه بارز نظری فلسفه تربیت اسلامی است. استدلال اصلی من در این پژوهش، ناظر بر محدودیتهای رویکرد نظری کنونی و تبیین رویکرد عملی

به فلسفه تربیت اسلامی با تکیه بر دیدگاه ویلفرد کار، به منظور افزودن بر ضریب تأثیر فلسفه تربیت اسلامی بر عمل تربیتی، و برجسته کردن نقش آن در بهبود و احیای عمل تربیت اسلامی و تحقق عامل تربیت اسلامی است. چنانچه مطالعات انجام شده در این زمینه با رویکرد نظری را یک ضلع این پروژه در نظر بگیریم، مطالعه حاضر با تأکید بر رویکرد عملی ضلع دیگر آن به حساب می‌آید. به عبارتی، در پی گشودن مسیری دیگر برای کمک به تحقق یا هویت‌بخشی به تربیت اسلامی و مشارکت در این پروژه مهم است.

به‌خوبی می‌دانیم، به همان اندازه که تولید نظریه و دستیابی به ایده‌های تربیت اسلامی به شیوه نظری اهمیت دارد، بکارگیری اثربخش آنها در عمل نیز اهمیت دارد. اما، کاربرد اثربخش نظریه‌ها و ایده‌های تربیت اسلامی در عمل در گرو فهم و عمل عاملان تربیت است که با تحکم نظری و صرفاً با تدارک نقشه‌های عمل قابل حصول نیست. قابل حصول نیست، زیرا اگر بود، هرگز مسئله‌ای مزمن و فراگیر به نام شکاف میان نظریه و عمل تربیتی پدید نمی‌آمد. برخلاف تصور ما، عاملان تربیت عاطلان تربیت نیستند؛ آنها بااعتنا یا بی‌اعتنا به ضرورت‌های منطقی، احکام صادره را مورد فهم و تفسیر قرار می‌دهند، و مسئولانه یا غیرمسئولانه، آگاهانه یا غیرآگاهانه، آنها را بکار می‌برند یا بکار نمی‌برند. شکاف نظریه و عمل در تربیت به بیان ساده، یعنی همین. مادامی که فیلسوفانی در دانشگاه بیان‌دیشند و نظریه پردازند، و عاملان در مدرسه نظریه‌ها و احکام آنها را باید بکار ببرند، این شکاف وجود خواهد داشت. گرچه نمی‌توان به‌طور کامل بر این مسئله پیچیده و این شکاف غلبه کرد، اما همچنان می‌توان به کاستن از فاصله‌ها اندیشید.

این شکاف، از نظر عده‌ای، ناشی از «بحران اعتماد»¹ است (شون، 1983)؛ از نظر عده‌ای دیگر، ناشی از فاصله گرفتن از دنیای عملی است (کانلی، 2007) که شواب² (1969) مدتها پیش نسبت به آن هشدار داده بود و آن را ناشی از انحراف نظری یا «اعتماد دیرینه و نآزموده به نظریه» تشخیص

¹ "crisis of confidence"

² Joseph Schwab

داده بود. از نظر ویلفرد کار¹ (2004)، شکاف میان فلسفه تربیت و تربیت به دلیل اشتباه گرفتن سلف فکری پدید آمده است. به تعبیری، فلسفه تربیت مسیر واقعی خود را که همانا مسیر فلسفه عملی² است گم کرده است و به اشتباه در مسیر فلسفه نظری ره می‌پوید. نظریه پرداز فلسفه عملی تربیت بر آن است که فلسفه تربیت بدون دلیلی موجه از فلسفه عملی که زمانی نه چندان دور، تربیت در حوزه استحفاظی آن قرار داشت و توسط آن هدایت می‌شد، کناره گرفته است و بیش از حد به سمت فلسفه نظری منحرف شده است.

تبیین کار از مسئله جدایی فلسفه تربیت از عمل تربیتی، انحراف آشکار فلسفه تربیت به سمت فلسفه نظری و گرایش به صدور احکام تربیتی عقلی بر این اساس است (کار، 2004). مشابه این علاقه و گرایش در فیلسوفان تربیت و در تحقیقات رشته دانشگاهی فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران نیز وجود دارد. این علاقه و گرایش را با مراجعه به عناوین پایان‌نامه‌ها و رساله‌های ارشد و دکتری به‌سادگی می‌توان دریافت: به عنوان مثال، معرفی یک مکتب یا فیلسوف ناشناخته یا کمتر شناخته‌شده و دلالت‌های آن برای تربیت. نمونه‌های دیگر، فعالیت‌های نظری گسترده برای تدوین سندهای قطور آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی است؛ اسنادی پرتفصیلات که حامل گزاره‌ها و احکام استخراج‌شده از فلسفه اسلامی صدرایی با چاشنی فلسفه‌های تربیتی قدرتمند موجود است؛ فعالیت‌هایی که در نظام جمهوری اسلامی و پیش از آن بی‌سابقه و در نوع خود ارزشمند است، اما به دلیل حاکمیت روح نظری بر آن، و فاصله زیادی که احکام آن با واقعیت‌های جاری در مدرسه دارند، به‌شدت در معرض عملیات‌گرایی³ و تولید گسترده نقشه‌های فنی عمل⁴ بر طبق الگوی پرترفدار از بالا به پایین⁵ در نهاد آموزش و پرورش است.

¹. Wilfred Carr

². Practical Philosophy

³. Operationalism

⁴. What works

⁵. Top-down

برداشت من از امکان جدایی فلسفه تربیت اسلامی از عمل تربیتی مشابه برداشت کار است؛ زیرا مشابه همان گرایش و انحراف مورد اشاره او در اینجا نیز مشاهده می‌شود؛ با این تفاوت که ما با یک مسئله خاص مواجه‌ایم و آن چیزی نیست، جز تحقق ایده تربیت اسلامی. این مسئله خاص، زمینه‌ای را پدید می‌آورد که می‌توان در آن به مسئله جدایی فلسفه تربیت اسلامی از تربیت در پرتو یک نظریه نافذ اندیشید، و علاوه بر صورتبندی مسئله ربط و آشکار کردن محدودیتهای رویکرد نظری کنونی در مواجهه با آن، تبیینی از رویکرد عملی به فلسفه تربیت اسلامی برای مواجهه با این مسئله و کمک به تحقق تربیت اسلامی ارائه کرد.

آنچه در این پژوهش به‌طور خاص اهمیت دارد، عمل و فهم فیلسوفان تربیت اسلامی است. چنانچه بخواهم سند فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران را مرجع قرار بدهم و آن را نماینده فهم و عمل فیلسوفان تربیت در جهت تحقق بخشیدن به ایده تربیت اسلامی در نظر بگیرم، با تکیه بر نظریه کار این فرض را مطرح می‌کنم که فلسفه تربیت اسلامی با گرایش به فلسفه اسلامی، یعنی انتخاب مسیر فلسفه نظری، پروژه مورد علاقه خود را دنبال می‌کند که همانا تحقق بخشیدن به ایده تربیت اسلامی است. چنین تصور شده است که فلسفه تربیت با چرخش از سمت فلسفه غرب به سمت فلسفه اسلامی، می‌تواند نقش خود در تحقق ایده تربیت اسلامی را به‌درستی ایفا کند. در صورتی که با همان گرایش نظری، با همان رابطه ناکارآمد از بالا به پایین و صرفاً جابجایی فلسفه غربی با فلسفه اسلامی می‌خواهد این رسالت را به انجام رساند. این قضایا از منظر پژوهش حاضر، یک معنای روشن دارد و آن ضعیف‌تر شدن شعله عاملیت عاملان تربیت، به دلیل فرو رفتن هرچه بیشتر خورشید عقلانیت عملی در کسوف خورشید عقلانیت فنی و فقر هرچه بیشتر مفهوم «عمل» و «عامل» در نزد ماست.

این تلاشهای نظری با بی‌اعتنایی به بحرانها و تنشهای موجود در حالی صورت می‌گیرد که به دلیل فاصله‌گیری فزاینده نظریه از عمل تربیتی و بروز عوارض جانبی ناشی از آن، عاملان، بی‌اعتنا به صدور این احکام، کار خودشان را نه لزوماً با دقت و ظرافت عقلانی و متأملانه، بلکه در وضعیت ایده‌آل،

براساس «دانش عملی شخصی»¹ (معلمان شایسته) و در وضعیت نه چندان ایده‌آل، براساس دانش فنی (پیروی از دستورالعمل)، درست یا نادرست، کامل یا ناقص، با وظیفه‌شناسی یا سرسری به انجام می‌رسانند. اگر اینها واقعیت داشته باشد، پس ناکامی این فعالیت‌های نظری در رسیدن به سرانجام خود نباید چندان دور از انتظار باشد.

2-1 اهداف پژوهش

هدف کلی پژوهش، تبیین رویکرد عملی به فلسفه تربیت اسلامی با تأکید بر دیدگاه ویلفرد کار است. برای دستیابی به این هدف کلی، دستیابی به اهداف جزئی زیر ضرورت دارد:

1. تبیین محدودیتهای رویکرد نظری به فلسفه تربیت اسلامی (فلسفه تربیت جمهوری اسلامی ایران) در پرتو نظریه کار؛
2. تبیین محدودیتهای رویکرد عملی ویلفرد کار در پرتو رویکرد نظری به فلسفه تربیت اسلامی؛
3. ارائه تبیینی از فلسفه تربیت اسلامی با نظر به محدودیتهای و امکانات رویکرد عملی فلسفه تربیت.

3-1 سؤالات پژوهش

با نظر به اهداف تعیین شده، سؤالات پژوهش بدین شکل صورتبندی می‌شوند:

1. رویکرد نظری به فلسفه تربیت اسلامی (فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران) در پرتو نظریه کار از چه محدودیتهایی برخوردار است؟

¹. اصطلاح (PPK) personal practical knowledge به کانلی و کلندینین تعلق دارد

2. رویکرد عملی کار از منظر رویکرد نظری به فلسفه تربیت اسلامی از چه محدودیتهایی

برخوردار است؟

3. چه تبیینی از رویکرد عملی به فلسفه تربیت اسلامی با نظر به محدودیتهای و امکانات رویکرد

عملی به فلسفه تربیت می‌توان ارائه کرد؟

1-4 ضرورت پژوهش

به دلیل تأثیرات نامطلوب شکاف نظریه و عمل تربیتی در دوره معاصر، مواجهه فلسفه تربیت اسلامی با دیدگاههای عملی ضرورت یافته است. دیدگاههایی که علی‌رغم تأکیدات متفاوت در یک چیز اشتراک دارند، و آن پافشاری بر احیای فلسفه عملی و بهره‌گیری از امکانات آن برای غلبه بر مسائل لاینحل مدرن، از جمله شکاف میان نظریه و عمل تربیتی است. شکاف میان نظریه و عمل مسئله‌ای است که بیش از هر حوزه دیگر، مشروعیت و خیر علوم تربیتی را مورد تهدید قرار داده است. کارل کسل¹ استاد سرشناس تاریخ تربیت در یکی از شماره‌های پژوهشگر تربیتی² سؤالی مبنی بر اینکه «چرا وجهه تحقیقات تربیتی تا این حد بد است؟»³ مطرح می‌کند و اندیشمندان این حوزه را به پاسخ به این سؤال فرامی‌خواند. در شماره‌های بعد پژوهشگر تربیتی این مسئله، تحلیل و راه‌حلهایی ارائه می‌شوند (پرینگ، 2000)؛ تحلیلهایی که همگی حکایت از دوگانگیها، تقابلها و شکافها میان نظریه و عمل تربیتی دارند. به نظر می‌رسد، وجهه تحقیقات تربیتی بد است، زیرا نمی‌تواند از سویی، تأثیرات عملی خود را برای بهبود تربیت آنگونه که شایسته است اثبات کند، و از سوی دیگر، راه‌حلی مؤثر برای غلبه بر این تقابلها و دوگانگیها ارائه کند.

¹. Carl Kaestle

². Educational Researcher

³. Kaestle, C. (1993), 'The awful reputation of educational research', *Educational Researcher*, 22.1.